

موريس باريه

مدرنيتہی سياسی

ترجمہی

عبدالوہاب احمدی



فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	پیشگفتار مارسل گشه
۱۵	دیباچه

بخش یکم

فقدان مدرنیته‌ی سیاسی

۲۷	فصل نخست: دولت‌شهر باستانی
۲۷	۱. برتری دولت‌شهر بر فرد
۳۵	۲. رویارویی فرد با دولت‌شهر: تلاش سقراط
۴۱	فصل دوم: مسیحیت و فردباوری
۴۱	۱. مسیحیت، دین فرد
۴۵	۲. تز خاستگاه مسیحی فردباوری
۵۰	۳. فقدان پیوند میان مسیحیت و فردباوری
۵۷	فصل سوم: اجتماع و فرد در قرون وسطا
۵۹	۱. نخستین نشانه‌های فردباوری
۶۲	۲. تعلق فرد به جماعت
۶۷	۳. برتری دولت بر فرد
۷۳	فصل چهارم: دین‌پیرایی پروتستانی، فردباوری و مدرنیته
۷۴	۱. پروتستان‌یسم و شکل‌گیری مدرنیته
۸۰	۲. کالوین‌یسم و پیدایش فردباوری
۸۳	۳. کثرت‌گرایی دینی و مدرنیته‌ی سیاسی

۱۹۳	۲. تردیدهای توکویل نسبت به دولت مدرن
۱۹۹	۳. مارکس و نقد دولت مدرن
۱۹۹	الف) دولت پیش مدرن و دولت مدرن
۲۰۲	ب) شکل‌گیری دولت مدرن
۲۰۷	ج) ردّ دولت مدرن
۲۱۱	فصل چهارم: مدرنیته‌ی سیاسی و مسئله‌ی ملت
۲۱۳	۱. ملت قومی - فرهنگی و ردّ مدرنیته‌ی سیاسی
۲۱۷	الف) دریافت‌های هرِدِر و فیشته
۲۲۰	ب) نظریه‌های ریز و باوئر
۲۲۷	ج) ناسیونالیسم فرانسوی از پاریس تا جبهه‌ی ملی
۲۳۱	۲. ملت سیاسی و تحقق مدرنیته‌ی سیاسی
۲۳۲	الف) تأثیر روسو
۲۳۳	ب) سی‌س و دریافت سیاسی ملت
۲۳۸	ج) ژنان و دریافت نوین از ملت
۲۴۷	فصل پنجم: توتالیتاریسم و طرد مدرنیته‌ی سیاسی
۲۴۹	۱. فاشیسم ایتالیایی و موارد همانندش
۲۶۴	۲. ناسیونال - سوسیالیسم آلمان
۲۷۲	۳. کمونیسم شوروی و چینی
۲۸۵	فصل ششم: نارسایی‌های مدرنیته‌ی سیاسی
۲۸۶	۱. وضعیت‌های گوناگون در برابر مدرنیته‌ی سیاسی
۲۹۵	۲. خصلت یهودی اسرائیل
۳۰۱	۳. فروبستگی ترکیه
۳۰۷	۴. پیچیدگی هند
۳۱۵	۵. ناسازه‌ی ژاپن
۳۲۵	فصل هفتم: اسلام و مدرنیته‌ی سیاسی
۳۲۶	۱. فقدان مدرنیته‌ی سیاسی در جهان اسلام
۳۳۶	۲. ضدیت اسلام‌یسم و مدرنیته سیاسی

۸۹	۴. رابطه‌ی پروتستانیسیم و جمهوری
۹۵	فصل پنجم: هابز، نظریه پرداز دولت پیش مدرن
۹۹	۱. تشکیل جمهوری
۹۹	الف) واگذاری حقوق فردی
۱۰۲	ب) نتایج واگذاری حقوق
۱۰۶	۲. وضعیت فرمان‌گزاران
۱۰۶	الف) آزادی محدود افراد
۱۱۱	ب) جایگاه مالکیت و دین
۱۱۷	فصل ششم: روسو و بازگشت به دولت‌شهر باستانی
۱۱۷	۱. قرارداد اجتماعی و شکل‌گیری دولت
۱۲۰	۲. پی‌آیندهای قرارداد اجتماعی
۱۲۵	۳. حدود قرارداد اجتماعی
۱۲۹	۴. ارجاع به دولت‌شهر باستانی

بخش دوم

پویش مدرنیته‌ی سیاسی

۱۳۹	فصل نخست: مؤده‌رسانان مدرنیته‌ی سیاسی: اسپینوزا، لاک، مونتسکیو
۱۴۰	۱. اسپینوزا و آزادی اندیشیدن
۱۴۴	۲. لاک و اعلام پهنه‌ی خصوصی
۱۴۹	۳. مونتسکیو و آزادی سیاسی
۱۵۹	فصل دوم: پیدایش مدرنیته‌ی سیاسی در ایالات متحد و فرانسه
۱۵۹	۱. ایالات متحد و مدرنیته‌ی سیاسی
۱۶۸	۲. فرانسه و مدرنیته‌ی سیاسی
۱۶۹	الف) زایش مدرنیته‌ی سیاسی
۱۷۶	ب) دشواری‌های راه
۱۸۵	فصل سوم: از نظریه تا نقد مدرنیته‌ی سیاسی
۱۸۵	۱. کنستان، نظریه پرداز دولت مدرن

- الف) اسلام‌یسم و فقدان مدرنیته‌ی سیاسی
 ب) اسلام‌یسم و رد مدرنیته‌ی سیاسی
- نتیجه‌گیری: فراروندگی از مدرنیته‌ی سیاسی
۱. شرایط و سرشت فراروندگی
 ۲. نمودهای فراروندگی
 ۳. خطرها و دورنماهای فراروندگی

کتاب‌شناسی

- پیوست: مدرنیته چیست؟ نوشته‌ی آبل ژانی بر
 فهرست برخی اعلام
 واژه‌نامه‌ی فارسی - فرانسه

۳۳۸
 ۳۴۲
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۵
 ۳۶۷
 ۳۷۵
 ۳۸۷
 ۴۰۷
 ۴۱۷

یادداشت مترجم

مسئله‌ی دولت و جامعه‌ی مدنی و چگونگی جدایی و نسبت‌های این دو از دیرباز یکی از مسائل مهم فلسفه‌ی سیاسی مدرن بوده است. می‌دانیم که در تجربه‌ی غرب، این مسئله در سده‌ی هژدهم هنگامی مورد توجه اندیشمندان و فیلسوفان قرار گرفت که باهمستان‌های پیش‌مدرن با مرتبه‌های فسرده و نظم و محدودیت‌های فلج‌کننده‌ی خود این جا و آن جا فرو ریخته بودند و رفته رفته جای به جامعه‌ی مدرن ترکیب یافته از افراد آزاد می‌سپردند. بدین سان، کلیتی که تا سپیده‌دم دورانِ مدرن سیاست و اقتصاد و دین و... را دربر داشت از هم شکافت و با جدایی سیاست از اقتصاد یا به دیگر سخن، جدایی قلمرو سیاسی از پهنه‌ی اقتصادی، دولت و جامعه‌ی مدنی هم چون دو موجودیت نوین متمایز پدید آمدند. در واقع، شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی و دولت جدا از آن در جهانی پدیدار شد که نیروهای حیاتی‌اش، پس از پیدایش فردیت و فردباوری مدرن در دوران نوزایش، از بند موانع کهن رسته بودند. در روند این تحول بنیادین و نوپدید، قلمرو عمومی از پهنه‌ی خصوصی متمایز گردید و انسان رهیده از قید و بندهای جهان پیش‌مدرن دو چهره متفاوت، یعنی شهروند و فرد به خود گرفت: انسان جامعه‌ی مدرن به عنوان عضو دولت شهروند است و هم چون عنصر تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی مدنی فرد است.

نویسنده‌ی کتابی که در دست دارید با طرح دوباره‌ی مسئله‌ی دولت